

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قرآن و حدیث
پرویس تهران

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم حدیث

گرایش تفسیر اثری

عنوان پایان نامه

مؤلفه‌های رفتار حکیمانه در قرآن و روایات

استاد راهنما

دکتر علی راد

استاد مشاور

دکتر محمد علی مهدوی راد

دانشجو

فاطمه ربانی فر

ماه و سال دفاع

شهریور ۱۳۹۲

تمام حقوق این اثر متعلق به دانشگاه قرآن و حدیث است.

تقدیم

به مهدی عزیز عَلَيْهِ السَّلَام و عزیزان مهدی عَلَيْهِمُ السَّلَام

به امام مهربانیها، حضرت علی ابن موسی الرضا عَلَيْهِ السَّلَام

به کریمه اهل بیت فاطمه معصومه عَلَيْهَا السَّلَام

به سید الکریم عبدالعظیم حسنی عَلَيْهِ السَّلَام

به روح خدا، خمینی کبیر رَحْمَةُ اللهِ

به رهبر و پیشوایم، سیدعلی خامنه ای مد ظله العالی

به آنان که روحی لطیف و احساسی خداگونه دارند: به پدر و مادر و بویژه همسر گرامیم که مرا در گردآوری

این مجموعه یاری کردند.

که البته تنها به جهت انتساب به قرآن و احادیث قابل تقدیم است.

تقدیر و تشکر

حمد و سپاس خدای حکیم را که منت نهاد و توفیق خوشه چینی از خرمن قرآن و معارف حکمت آمیز
اهلیت علیه السلام را بر بنده ارزانی داشت.

دین تنها بدهی های مالی نیست،

آنکه بما علم آموخته و مؤعظه کرده و برتجاریمان افزوده،

آنکه در راه پر پیچ و خم زندگی هشدارمان داده و از گودال یک انحراف یا چاه یک رذیله اخلاقی نجات داده،

آنکه در انتخاب راه صحیح، با فکر و سنجش راهنمائیمان کرده،

آنکه ما را با خدا، دین، معنویت، گره زده است،

و خلاصه آنکه دری از گنجینه های حکمت برویمان گشوده است،

اینها همه به نوعی بر گردن ما حق دارند و ما را مدیون خویش ساخته اند.

بپاس همه ی هدایتگری ها و راهنمایی های استاد راد و تلاش های استاد مهدوی راد،

بپاس زحمات همه کسانی که در طول این مدت الطافشان را شامل حالم کردند بویژه استاد حسینی، به خاطر

هماهنگی ها و همکاری هایشان،

بپاس زحمات پدر و مادر عزیزم بخاطر دلگرمی هایشان، و همسر گرامیم بخاطر همراهی هایش،

دعای خیرم را به بدرقه راهشان می کنم و عاجزانه التماس دعا دارم.

امید است که در سایه الطاف مهدوی امام عصر علیه السلام شاهد توفیقات بیشترشان در کسب معارف اهلیت علیه السلام

باشیم.

چکیده

مسأله اصلی این پژوهش تبیین مؤلفه‌های رفتار حکیمانه از منظر قرآن و احادیث است. مراد از این مؤلفه‌ها، عناصر موثر در صدور رفتار حکیم می‌باشد. از تحلیل محتوای گزاره‌های قرآنی و روایی متناسب با این موضوع بدست آمد که رفتار حکیمانه دارای دو گونه مؤلفه اثباتی و سلبی در دو ساحت نگرش و گرایش است. رفتار حکیمانه در عرصه نگرشی نیازمند بینش و دانشی صحیح از هدف حیات انسانی است؛ همین نگرش باعث ایجاد گرایش‌های اثباتی چون: حق‌مداری، خیر خواهی، تقوا، صبر، امانت‌داری، ... و در مقابل گرایش‌های سلبی چون دوری از باطل‌گرایی، شر‌گرایی، گناه و .. در حکیم می‌شود.

کلید واژه: حکیم، رفتار حکیمان، تفسیر موضوعی حکمت.

فهرست مطالب

بخش اول کلیات و مفاهیم.....	۱۰
۱.۱. فصل اول: کلیات.....	۱۱
۱.۱.۱. بیان مسئله؛.....	۱۱
۱.۱.۲. اهمیت و ضرورت؛.....	۱۲
۱.۱.۳. سوالات تحقیق؛.....	۱۲
۱.۱.۴. فرضیات تحقیق (در صورت لزوم)؛.....	۱۲
۱.۱.۵. پیشینه تحقیق؛.....	۱۳
۱.۱.۶. چارچوب نظری تحقیق؛.....	۱۳
۱.۲. فصل دوم: مفاهیم.....	۱۵
۱.۲.۱. تعریف حکمت.....	۱۵
۱.۲.۱.۱. حکمت در لغت.....	۱۵
۱.۲.۱.۲. حکمت در آیات.....	۱۸
۱.۲.۱.۳. تبیین حکمت از زبان مفسران.....	۱۸
۱.۲.۱.۴. تبیین حکمت در روایات.....	۲۰
جمع بندی از تعاریف.....	۲۲
۱.۲.۱.۵. اقسام حکمت.....	۲۲
الف: حکمت نظری.....	۲۳
ب) حکمت عملی.....	۲۳
۱.۲.۳. تعریف مؤلفه.....	۲۳
۱.۲.۴. تعریف رفتار.....	۲۳
بخش دوم: مؤلفه‌های نگرشی رفتار حکیمانه.....	۲۵
درآمد.....	۲۶
۲.۱. دانش حکیم.....	۲۹
۲.۲. بینش حکیم.....	۳۳
۲.۲.۱. خداشناسی.....	۳۵
گفتار اول: توحید نظری و توحید عملی.....	۳۷

۳۸ گفتار دوم: برهانی بودن بینش توحیدی حکیم
۴۰ گفتار سوم: آثار بینش و باور توحیدی در اندیشه حکیم
۴۰ حکیم دانستن خداوند
۴۱ منشأ اعطای حکمت دانستن خداوند
۴۳ ۲.۲.۲. نبوت
۴۵ ۲.۲.۳. معاد شناسی
۴۸ جمع بندی
۴۹ بخش سوم: مؤلفه‌های گرایشی رفتار حکیمانه
۵۰ درآمد
۵۳ ۳.۱. حق‌مداری
۵۵ ۳.۲. تقوا‌مداری
۵۸ ۳.۲.۱. قدرت و توانایی ترك گناه
۵۹ رابطه عصمت و حکمت
۶۱ دور بودن از شهوات
۶۳ ۳.۳. در جستجوی خیرات
۶۵ ۳.۴. صبر و شکیبایی
۶۷ ۳.۵. صدق و راستگویی
۷۰ ۳.۶. امانتداری
۷۲ ۳.۷. سکوت و خاموشی‌گزیدن
۷۵ ۳.۸. شکرگزاری
۷۸ ۳.۹. تبلیغ دین
۸۳ ۳.۱۰. عقل‌گرایی
۸۸ ۳.۱۱. عبرت‌آموزی
۹۰ ۳.۱۲. تشخیص و عملکرد بموقع و مصلحت‌اندیشی
۹۲ ۳.۱۳. عملکرد هوشمندانه
۹۳ نمونه ای از عملکرد هوشمندانه
۹۴ ۳.۱۴. صلح‌جویی و برطرف‌کنندگی اختلافات
۹۵ ۳.۱۵. شریعت‌گرایی
۹۶ ۳.۱۵.۱. عبودیت و بندگی

۹۷.....	تلاوت قرآن.....
۱۰۰.....	دعا.....
۱۰۲.....	۳.۱۵.۲ روزه داری.....
۱۰۶.....	۳.۱۵.۳ اخلاص مرتفع ترین قله شریعت.....
۱۰۷.....	اوج اخلاص و شهر حکمت.....
۱۱۰.....	۳.۱۵.۴ اهل انفاق.....
۱۱۱.....	چرا حکمت خیر کثیر است.....
۱۱۲.....	رابطه انفاق و حکمت.....
۱۱۳.....	۳.۱۵.۵ قلب سلیم.....
۱۱۵.....	۳.۱۶ گفتار نیک.....
۱۱۶.....	۳.۱۶.۱ حق گوئی.....
۱۱۷.....	۳.۱۶.۲ مستدل سخن گفتن.....
۱۱۸.....	۳.۱۶.۳ گفتار مؤثر و نافذ.....
۱۱۹.....	۳.۱۶.۴ زیبا سخن گفتن و حیاء در کلام.....
۱۲۱.....	۳.۱۶.۵ راهنمایی با کلام.....
۱۲۳.....	جمع بندی.....
۱۲۴.....	نتایج و پیشنهادها.....
۱۲۵.....	فهرست منابع.....

بخش اول کلیات و مفاهیم

۱.۱. فصل اول: کلیات

در این بخش طرح پژوهش که شامل بیان مسئله، اهمیت و ضرورت پژوهش، سؤالات و فرضیات تحقیق، ضرورت و پیشینه بحث و همچنین چارچوب نظری تحقیق بیان می‌شود.

۱.۱.۱. بیان مسئله؛

موضوع حکمت به عنوان زیربنای اساسی مسئله تعلیم و تربیت از دیرباز مورد توجه همه اندیشمندان و مصلحان بوده و هیچ عصر و زمانی را از توجه به این واقعیت مهم خالی نمیتوان یافت و به جهت اهمیت و ارزش والایی که این مسئله داشته، می‌بینیم که از ابتدای شروع حیات انسانی، دلسوزان برای ارائه تربیت و آراسته کردن انسان به حقایق انسانی و فضایل اخلاقی کوشیده‌اند و به طرح مسائل تربیتی اقدام کرده‌اند ولی باید گفت که مهمترین نقش بر عهده انبیاء و امامان و مکتب پر ارزش آسمانی بوده است.

البته گفتار حکیمان و دانشمندان را نباید از نظر دور داشت ولی باید به این نکته توجه کرد که به جهت عقل محدود و دانش ناقص بشری نمیتوان به آنچه از آنان در دست است به عنوان اصول مسلم تربیتی تکیه کرد جز آنچه از گفتار و راهنمایی آنان که همانند یا نزدیک به مسائل پیامبران و امامان است. ولی در زندگی انبیاء و امامان چون معیار قرآن است و آنچه را که ارائه می‌دهد هماهنگ با فطرت و عقل و انسانیت انسان است باید به تمام معنا مورد توجه قرارگیرد.

به همین خاطر ما در سایر فرهنگ‌ها نظیر تربیت شدگان مکتب انبیاء و امامان را در هیچ بعدی از ابعاد حیات نمی‌بینیم. بر همین اساس آیات و روایات، الگوی کاملی را در این زمینه معرفی می‌نماید تا در پرتو آن انسانها

بتوانند در مسیر تربیت و تکامل قرار گیرند و برنامه‌های زندگی خود را بر مبنای آن پایه‌گذاری نمایند، در این تحقیق به شناخت حکمت و رفتار حکیمانه و چگونگی رسیدن آنها به مقام حکمت و شناساندن مؤلفه‌های رفتار حکیمانه پرداخته خواهد شد تا در پرتو شناخت آن انسانها بتوانند به زندگی حکیمانه دست پیدا کنند.

۱.۱.۲. اهمیت و ضرورت؛

حکمت حالتی در انسان است که در اثر تیزهوشی و تیزفهمی، حقایق را آنچنان که هست میفهمد و در فهم اشیاء و موضوعات دچار اشتباه نمی‌شود و این بالاترین مرتبه در علم و آگاهی است. وقتی انسان به معرفتی رسید که همه چیز را درست فهمید او علم و حکمت را بدست آورده است، ﴿يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَ مَنْ يُؤْتِ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَ مَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ﴾... «حکمت مخصوص پیامبران نیست، بلکه دیگران نیز می‌توانند در اثر تقوا آن را بدست آورند مانند لقمان (که پیغمبر بودن او معلوم نیست). و در چندین جای قرآن یکی از وظایف مهم پیامبر آموزش کتاب در کنار حکمت به مردم است و با توجه به اینکه حکمت در روایات راهی برای بهتر زیستن و اصلاح زندگی فردی و اجتماعی است و در این طرح سعی بر این است مؤلفه‌های رفتار حکیمانه که خاستگاه آن صفت حکمت است تبیین و توضیح داده شود تا در پرتو آن به چنین زندگی دست پیدا کنیم.

۱.۱.۳. سؤالات تحقیق؛

- ۱- مؤلفه‌های رفتار حکیمانه در قرآن و احادیث چیست؟
- ۲- ویژگی‌های رفتار حکیمان چیست؟
- ۳- ویژگی‌های رفتار حکیمان چگونه قابل دسته‌بندی است؟

۱.۱.۴. فرضیات تحقیق (در صورت لزوم)؛

- ۱- رفتار حکیمانه دارای مؤلفه‌هایی چون تقوا، رفتار کردن بر پایه ی اصول، بینش درست، منش اخلاقی دین‌مدارانه، دور بودن از افراط و تفریط، حق مدار بودن و ... می‌باشد.

۲- حکیمان دارای ویژگی‌هایی هستند که در آیات و روایات به آنها پرداخته شده است، مانند: ۱- رضا بودن به قضای الهی ۲- تفویض امر به سوی خدا و تسلیم امر خدا شدن که سه پایه مهم در ایمان می‌باشند.

۳- با شناخت و بررسی زندگی حکیمان رفتارهایی چون: دوری از کبر، اعتدال در رفتار و ملایمت در گفتار، دستورعملی به اقامه نماز، امر به معروف، صبر و استقامت و ... را می‌توان مشاهده کرد.

۱.۱.۵. پیشنهاد تحقیق؛

هر چند کتابهایی همچون علم و حکمت (آیه الله ری شهری) و پایان‌نامه‌ها و مقالاتی همچون: حکمت در قرآن و آموزه‌های دین نوشته اکرم السادات موسوی مطلق دانشکده اصول دین به راهنمایی عبدالرضا زاهدی، حکمت در قرآن نوشته محمدرضا سلطانی نژاد دانشکده علوم قرآنی دانشگاه شیراز، معناشناسی کتاب و حکمت در قرآن، حکمت در قرآن و نهج البلاغه، بررسی الگوی سه نوع تصمیم‌گیری حضرت امام خمینی رحمته الله علیه با استفاده از مدل تصمیم‌گیری حکیمانه رویکرد فازی، بررسی و تحلیل حکمت در قرآن از دیدگاه‌های فلسفی و تفسیری صدرالدین شیرازی، فخرالدین رازی و علامه طباطبائی و دامنه معنایی حکمت در قرآن، اخلاق و حدیث نوشته دکتر حسن اسلامی، و... نوشته شده است لکن تاکنون پژوهشی با رویکرد اکتشاف مؤلفه‌های رفتار حکیمانه نشر نیافته است و کتاب و تألیف مستقلی که به دنبال پاسخ به سؤالات مورد بررسی در این پژوهش باشد وجود ندارد.

۱.۱.۶. چارچوب نظری تحقیق؛

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای به جمع‌آوری مطالب پرداخته که حول محور حکمت عملی است و با شیوه مفهومی و موضوعی به تجزیه و تحلیل آیات می‌پردازد.

محتوای پژوهش مشتمل بر سه بخش است و مسیری که این پژوهش طی می‌کند بدین شرح است:

بخش اول: در این بخش در دو فصل به کلیات تحقیق و مفاهیم ضروری و مرتبط با آن چون حکمت،

حکیم، مؤلفه و رفتار می‌پردازیم.

بخش دوم: در این بخش به نگرش حکیم که در ساختن رفتار او نقش دارد می‌پردازیم و شامل بینش و

دانش او می‌باشد.

بخش سوم: به مؤلفه‌های گرایشی رفتار حکیمانه اختصاص یافته است، که در فصل اول مؤلفه‌های

گرایشی اثباتی و سلبی، تجزیه و تحلیل شده است.

فصل دوم: با عنوان مؤلفه‌های گفتاری آمده است، به مهمترین مؤلفه‌هایی که در کلام حکیم وجود دارد

می‌پردازیم. و نهایتاً در هر بخش به نتیجه‌گیری آن می‌پردازیم تا بتوانیم با ارائه مهمترین مؤلفه‌های رفتاری

حکیم به شناخت حکیم دست پیدا کنیم و آن را بعنوان الگوی يك انسان قرآنی به جامعه بشناسانیم.

نکته قابل ذکر این است که در این رساله در ترجمه آیات از ترجمه آقای فولادوند استفاده شده است.

۱.۲. فصل دوم: مفاهیم

در این قسمت به تعریف مفاهیم کلی و اصلی پایان نامه می‌پردازیم.

۱.۲.۱. تعریف حکمت

وقتی برای معنا کردن "حکمت" به کتابهای لغت و تفاسیر مراجعه می‌کنیم به دلیل ابعاد گوناگونی که در حقیقت معنای حکمت وجود دارد و هم به دلیل اختلاف نظرهایی که در معنای آن وجود دارد برای معنای روشن و شفافیتی که با یکی دو کلمه قابل بیان باشد نمی‌توانیم بیابیم. اما با در کنار هم قرار دادن معانی مختلفی می‌توانیم به آستانه حقیقت حکمت نزدیک شویم.

۱.۲.۱.۱. حکمت در لغت

عالمان لغوی برای واژه حکمت دو معنی اساسی و بنیادین آورده اند:
الف: به معنی منع: که صاحبان، العین^۱، مفردات، مصباح المنیر^۲، مجمع البحرین^۱ و مقایس اللغه^۲ براین نظرند.

۱. «الحکمة: مرجعها إلى العدل و العلم و الحلم. و يقال: أحکمته التجارب إذا کان حکيما. و أحکم فلان عنی کذا، أي: منعه». فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۶۶.
۲. «الحکم... أصله المنع... منه اشتیاق الحکمة لأنها تمنع صاحبها من اخلاق الأردال». الفیومی، احمد ابن محمد بن علی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، مؤسسه دارالهجره، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق، ج ۱-۲، ص ۱۴۵، «حکم».

از نظر راغب اصفهانی در مفردات. حکم در اصل به معنای منع بخاطر اصلاح است و لجام زدن چهارپا بخاطر به خدمت گرفتنش نوعی منع است... حکمت دستیابی به حق، به وسیله علم و عقل است، هنگامی که به خدا نسبت داده می‌شود به معنای شناخت اشیاء و ایجاد آنها در نهایت استواری است. حکمت در انسان، عبارت است از شناخت موجودات و انجام دادن نیکیها.^۳

ب: به معنی محکم و استوار:

جوهری در الصحاح خود چنین می‌گوید: «شیء را محکم و استوار کرد و آن محکم و استوار شد، حکمت از علم است، عالم و صاحب حکمت، حکیم است و او کسی است که کارهایش را محکم و استوار انجام دهد. زمخشری در اساس البلاغه^۴ و لوئیس ملعوف در المنجد به همین معنا اشاره دارند.^۶

۱. «الحكمة: العلم الذي يرفع الإنسان عن فعل القبيح، مستعار من حكمة اللجام وهي ما أحاط بحكك الدابة يمنعها الخروج.

و الحكمة: فهم المعاني، و سميت حكمة لأنها مانعة من الجهل». طريحي فخر الدين، مجمع البحرين، تحقيق: سيد احمد حسيني، قرن يازدهم، تهران، ناشر کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش، ج ۶، ص ۴۵.

۲. «حکم: أصل واحد، و هو المنع. و أول ذلك الحكم، و هو المنع من الظلم، و سميت حكمة الدابة لأنها تمنعها، يقال حكمت الدابة و أحكمتها، و يقال حكمت السفیه و أحكمته: إذا أخذت بيده، و الحكمة: هذا قياسها لأنها تمنع من الجهل، و تقول حكمت فلانا تحكيما: منعه عما يريد، و حكّم فلان في كذا: إذا جعل أمره اليه، و المحكّم: المجرب المنسوب الي الحكمة». ابن فارس، أبي الحسين احمد بن محمد، المعجم مقاييس اللغة، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، الطبعة الاولى ۱۴۰۴ ق، ج ۲، ص ۹۱، «حکم».

۳. «حكّم أصله: منع منعاً لإصلاح، و منه سميت اللجام: حكمة الدابة، فقيل: حكمته و حكمت الدابة: منعها بالحكمة، و أحكمتها: جعلت لها حكمة... الحكمة: إصابة الحق بالعلم و العقل، فالحكمة من الله تعالى: معرفة الأشياء و إيجادها على غاية الإحكام، و من الإنسان: معرفة الموجودات و فعل الخيرات». راغب اصفهانی، حسين بن محمد، المفردات في غريب القرآن، تحقيق: صفوان عدنان داودي، دمشق بيروت، دارالقلم الدار الشامية، چاپ اول، ۱۴۱۲م، ص ۲۴۸ و ۲۴۹.

۴. «أحكمت الشيء فاستحكمت، أي صار محكماً، الحكمة من العلم. و الحكيم: العالم، و صاحب الحكمة. و الحكيم: المتقن للأمر» واعظ زاده خراساني، الموسوعة القرآنية الكبرى المعجم في فقه لغة القرآن، مشهد مقدس، مجمع البحوث الاسلاميه، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق، ۱۳۸۲ ش، ج ۱۲، ص ۲۲۹، به نقل از صحاح اللغة جوهری.

۵. «احکم الشيء فاستحكمت، و حکم الفرس و احکمه: وضع عليه الحكمة و فرس محکوم و محکمه». الزمخشری، جار الله ابی القاسم محمود بن عمر، اساس البلاغه، بيروت، دار صادر، چاپ اول، ۱۹۷۹ م، ص ۱۳۷.

۶. ملعوف، لوئیس، المنجد في اللغة و العلام، انتشارات اسماعيليان، چ ۴، بخش لغات ذیل واژه حكمة.

ج: به هر دو معنی: محکم و استوار و مانع:

علامه مصطفوی در التحقیق بعد از بررسی ماده حکم چنین می‌گوید: ^۱ حکیم کسی است که علم بر او ثابت می‌شود و حاکم کسی است که حکم از او صادر می‌شود. و حکمت نوع خاصی از حکم است که برگشت آن به سوی معارف قطعی و حقایق استوار و معقول می‌باشد و به هر کسی از بندگان صالح که خدا بخواهد داده می‌شود. و از سوی دیگر ارتباط واژه فوق با هر دو معنای «منع و استواری» از آن جهت است که حکمت مانع از نادانی و خوی زشت است. و همچنین به علمی که خالی از خلل و در نهایت استواری باشد که مطلقاً اشتباه پذیر نیست، اطلاق می‌شود.

در قاموس قرآن در اصل معنی کلمه آمده آورد که حکمت یک حالت و خصیصه درک و تشخیص است که شخص بوسیله آن میتواند حق و واقعیت را درک کند و مانع از فساد شود و کار را متقن و محکم انجام دهد به هر صورت حکمت حالت نفسانی و صفت روحی است نه شیء خارجی بلکه شیء خارجی از آثار و نتایج حکمت است.^۲

گوهر معنایی: ارتباط واژه حکمت، با هر دو معنی «منع و محکم - استوار» از آن جهت است که حکمت مانع از نادانی و خوی زشت می‌شود و صاحبش را از اخلاق پست و زشت منع می‌کند و همچنین به علمی که استوار و خالی از خلل باشد، حکمت می‌گویند. حکمت فهم معانی است، و از این جهت که مانع نادانی است حکمت نامیده شده است که انسان را از جهل باز می‌دارد.

۱. «فالحکیم ما ثبت له الحکم، و الحاکم ما صدر عنه الحکم، و الحکمة فعله تدلّ علی نوع خاصّ من الحکم، و هو ما کان من الأحکام الراجعة الی المعارف القطعیة و الحقائق المتقنة المعقولة. یؤتیه من یشاء. و كذلك الحکمة فإنها نوع خاصّ من الحکم یؤتیها من یشاء من عباده المخلصین». مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، قرن پانزدهم، تهران، ناشر: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ ش، ج ۲، ص ۲۶۷.

۲. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، قرن: پانزدهم، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش، ج ۲، ص ۱۶۳.

۱.۲.۲. حکیم در لغت

حکیم به معنای صاحب حکمت و حکمت پیشه (صفت مشبه) است. که در قرآن ۹۷ مرتبه تکرار شده است.^۱ حکیم به معنای محکم کار و حکمت کردار است. یعنی کسیکه کار را از روی تشخیص و مصلحت انجام می دهد و از جوهری نقل شد که حکیم کسی است که کارها را محکم و استوار انجام دهد.^۲ و گاهی بمعنای مدبری است که با صنع محکم و تدبیر نیکو افعال خود را انجام می دهد در این صورت از صفات فعل است و گاهی بمعنای دانا است که از صفات ذات است.^۳

علامه طباطبایی در معنای این کلمه آورده است: حکیم به معنای متقن کار، و کسی است که هیچ عملی از وی از جهل و گراف ناشی نمی شود، هر چه می کند با علم می کند، و برای آن مصالحی در نظر می گیرد.^۴

۱.۲.۱.۲. حکمت در آیات

واژه حکمت بیست بار در قرآن مجید تکرار شده و خداوند خود را با این صفت وصف فرموده و در این کتاب آسمانی ۹۱ بار از آن تمجید کرده است. صفت فوق ۳۶ بار همراه با صفت علیم، ۴۷ بار همراه با صفت عزیز و چهار بار با صفت خبیر و یک بار همراه با صفت تواب، حمید، علی و واسع بیان شده است.^۵

۱.۲.۱.۳. تبیین حکمت از زبان مفسران

با توجه به گستردگی مفهوم حکمت، مفسران ذیل هر آیه تعاریف متفاوتی را ارائه داده اند؛ علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می فرماید:

۱. محمدی، حمید، مفردات قرآن، ناشر: مؤسسه فرهنگی دار الذکر، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۰، ص ۹۷.

۲. قرشی، پیشین، ج ۲، ص ۱۶۴.

۳. طبرسی، فضل ابن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجمان، تحقیق رضا ستوده، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول ۱۳۶۰ ش، ج ۲، ص ۶۰.

۴. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه: محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ه، ج ۱۹، ص ۴۴۴.

۵. عبدالباقی، محمد فوآد، المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم، قم، نوید اسلام، ۱۳۸۳ق=۱۴۲۵، ص ۲۸۵-۲۸۸.

«حکمة به کسر حاء و بر وزن «فَعْلَة» است. در نتیجه معنای آن احکام و اتقان یا نوعی از امر استوار متقن است که در آن رخنه و ضعفی مشهود نباشد و کاربرد آن شامل معلومات عقلی حق و درست و بطلان ناپذیر و دور از کذب می‌شود»^۱.

آلوسی در تفسیر خود چنین می‌گوید:

«اهل علم در معنای این کلمه ۲۹ قول بیان کرده‌اند که برخی از معنای آنها نزدیک به همدیگر است و پاره‌ای از مؤلفان، معنای بیشتری درباره این واژه برشمرده‌اند. چون بنای ما بر اختصار است، می‌گوییم اصل واژه، مصدر باب احکام است به معنای محکم کاری؛ چه در علم چه در عمل و چه در گفتار یا در همه این امور»^۲

آیت الله جوادی آملی در تفسیر تسنیم می‌فرماید:

حکمت از نوعی اتقان و استحکام حکایت می‌کند؛ به گونه‌ای که هر علمی را «حکمت» و هر عملی را حکیمانه نمی‌گویند، بلکه حکمت، آن علم ایمن و بدور از هرگونه شبهه است، چنان‌که نیروی عملی بدون شهوت و غضب را حکیمانه می‌نامند. تدبیر و اداره صحیح مملکت را حکومت می‌گویند؛ چون برای دفع هرج و مرج داخلی از یک سو و رفع تهاجم و تعدی خارجی از سوی دیگر، نظم متقن و سیاست کارآمدی است.^۳

بطور نمونه :

در آیه ﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...﴾^۴

در معنای حکمت سه دیدگاه وجود دارد:

۱- علم و عمل حقی که مطابق با فطرت باشد و اسلام بدان دعوت میکند که علامه^۵ بر این باور است.

۲- شرایع و احکام، مطابق آنچه در مجمع البیان^۱ و روض الجنان^۲ آمده است.

۱. طباطبایی، پیشین، ج ۲، ص ۳۹۵.

۲. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: علی عبدالباری، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.

۳. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم تفسیر قرآن کریم، محقق: حجّه الاسلام محمد حسین الهی‌زاده، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۸ هـ ش، ج ۱۲، ص ۴۳۱.

۴. جمعه / ۲. «اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند».

۵. طباطبایی، پیشین، ج ۱۹، ص ۴۵۶.

۳- دیدگاه آخر حکمت را به معنای سنت گرفته است، و صاحبان تفاسیر مفاتیح الغیب^۲، نمونه^۴ و تبیان^۵ بر

این نظرند.

آنچه از مجموع نظرات حاصل میشود این است که با عنایت و توجه به سنت و شریعت میتوان به علم و عمل حق، دست پیدا کرد که همان حکمت است.

۱.۲.۱.۴. تبیین حکمت در روایات

در روایات حکمت به گونه‌های مختلفی تبیین شده است:

در تعریف حکمت گفته شده: «حَدُّ الْحِكْمَةِ الْإِعْرَاضُ عَنِ دَارِ الْفَنَاءِ، وَالتَّوَلُّهُ بِدَارِ الْبَقَاءِ^۶» امام علی علیه السلام می‌فرماید: حکمت یعنی روی گرداندن از سرای گذرا و شیفتگی به سرای جاوید.

در ذیل آیه ی ﴿وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا^۷﴾ رسول الله صلی الله علیه و آله حکمت را به معنی قرآن^۸ و امام صادق علیه السلام به معنی «طَاعَةُ اللَّهِ وَمَعْرِفَةُ الْإِمَامِ^۹» دانسته اند و روایتی دیگر از ایشان حکمت را «مَعْرِفَةُ الْإِمَامِ، وَاجْتِنَابُ الْكِبَائِرِ الَّتِي أُوجِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا النَّارَ^{۱۰}» دانسته‌اند.

۱. طبرسی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق با مقدمه محمد جواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسر، چاپ سوم ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۴۲۹.

۲. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، تحقیق: دکتر محمد جعفر یاحقی - دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ ۱۴۰۸ ق، ج ۱۹، ص ۱۹۳.

۳. فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم ۱۴۲۰ ق، ج ۳۰، ص ۵۳۸.

۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۷۴، چاپ اول، ج ۲۴، ص ۱۰۸.

۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: با مقدمه شیخ آغا بزرگ تهرانی و تحقیق احمد قصیر عاملی بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۱۰، ص ۴.

۶. محمدی ری شهری، محمد، علم و حکمت در قرآن و حدیث، ترجمه عبدالهادی مسعودی، قم، دارالحدیث، چاپ اول ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۰۲، ح ۲۷۴.

۷. «و هر که حکمت یابد، خیری فراوان یافته است».

۸. ابن کثیر، أبی الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر البصری، الدمشقی، تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)، تحقیق: عبدالعظیم غنیم و محمد أحمد، عاشور و محمد ابراهیم البنا، دار الشعب القاهرة، ج ۱، ص ۴۷۶. و الشیخ العاملی، زین الدین